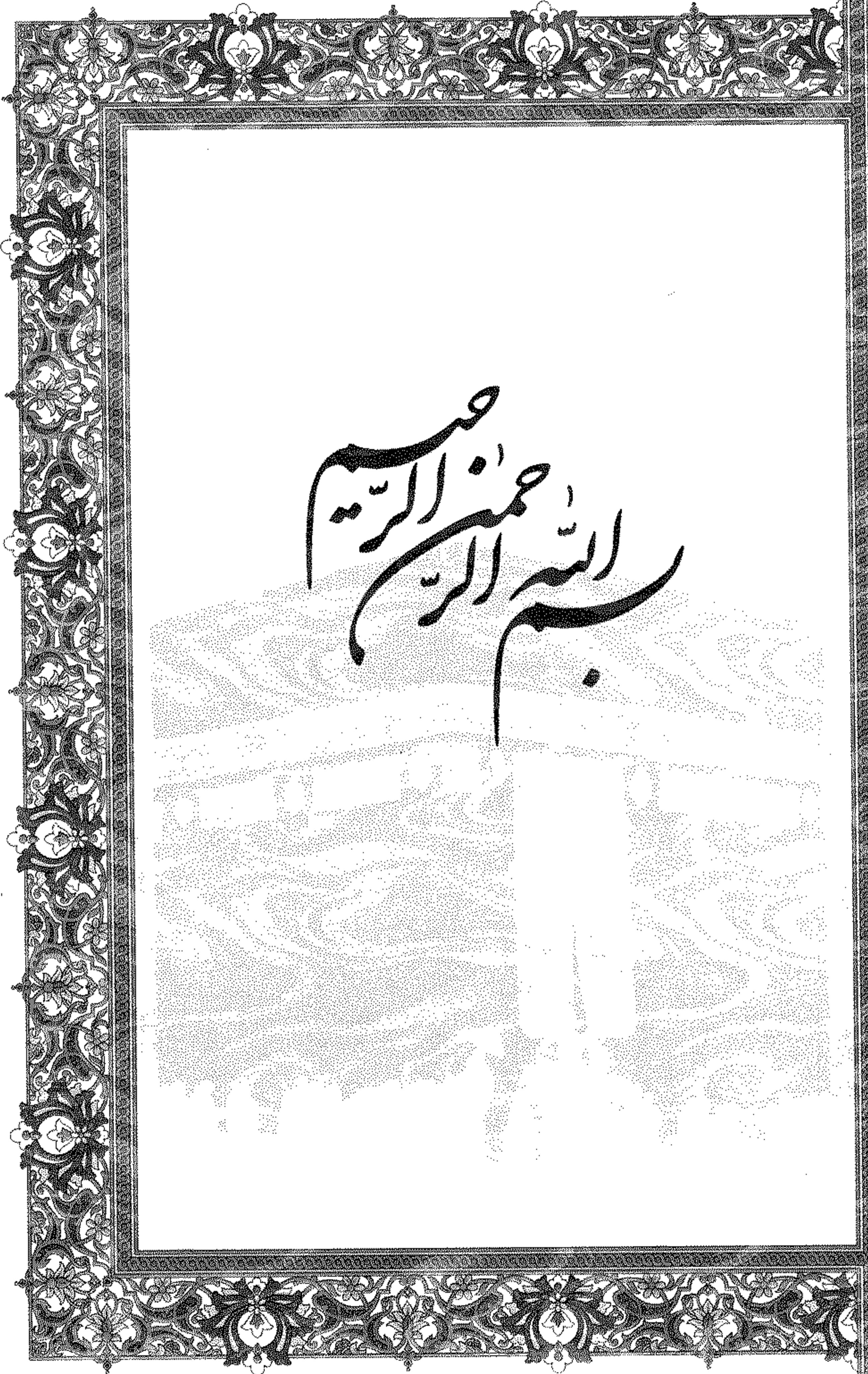


# کعبه در کعبه

(مقاله ای درباره‌ی حضور امام زمان علیه السلام در مراسم حج)

سید حسین حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن

## کعبه در کعبه

(مقاله ای درباره ی حضور امام زمان علیه السلام در مراسم حج)

چاپ دوم : پاییز ۱۳۸۳

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

نگارنده : سید حسین حسینی

حروفچینی : م. سلوکی

لیتوگرافی : فرآیند گویا

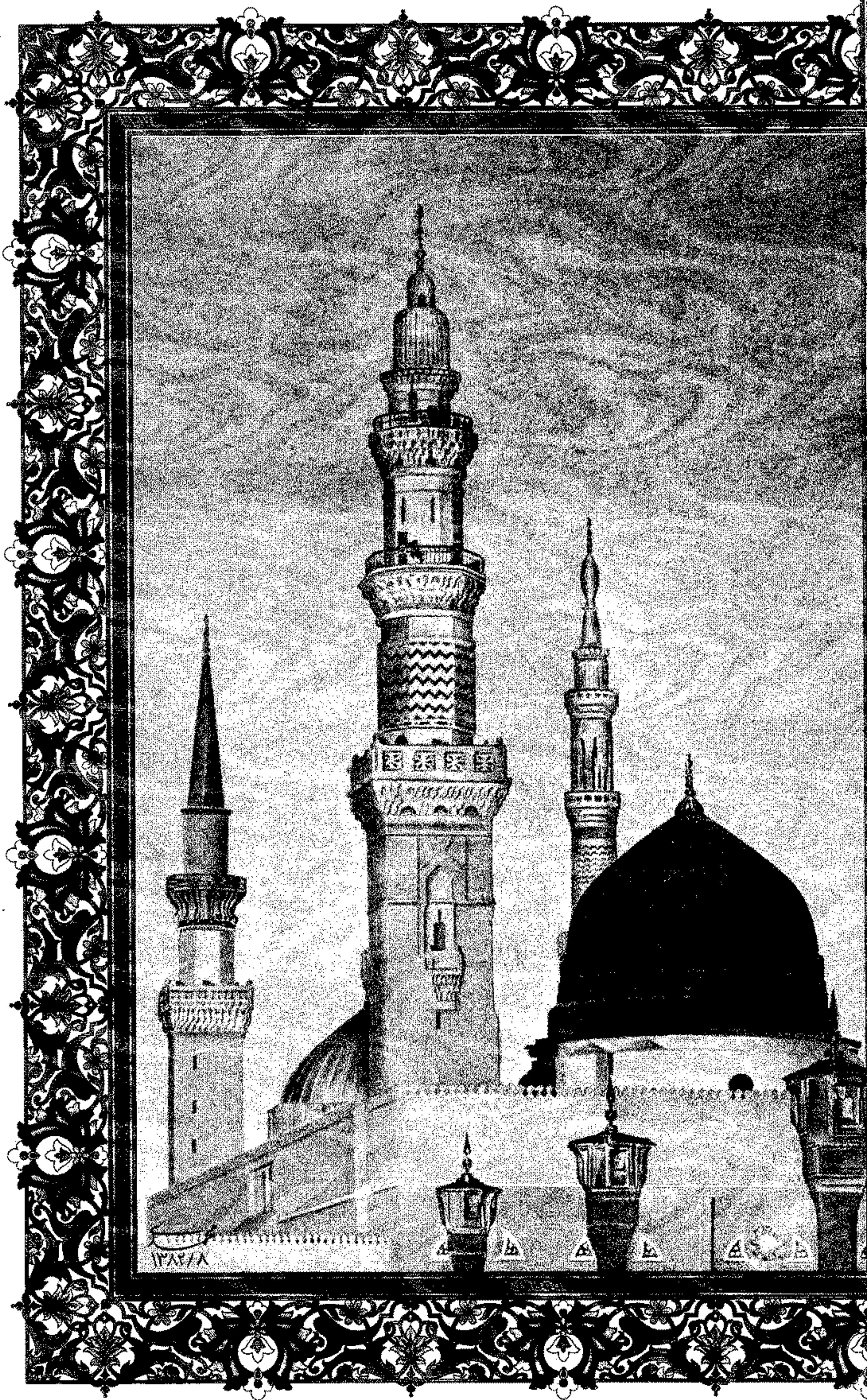
چاپ : ستاره سبز

صحافی : سیرنگ

شابک : ۵-۰۴-۵۵۲۰-۰۹۶۴

### انتشارات نگار

کلیه حقوق شرعی و قانونی این اثر متعلق به ناشر می باشد



## دیباچه

### السلام علی مهدی الامم و جامع الکلم

عزیز زائر خانه‌ی خدا و حرم پیامبر و امامان بقیع!

گوارایت باد دعوت خدایی و عنایات مهدوی علیه السلام که اکنون تو را راهی دیار یار می‌کند. امید که با توشه‌ی مهر و عشق و زاد و راحله‌ی عبودیت حرکت کنی و به دیدار خانه‌ی خدا و حریم امن معصومان برسی. نکته‌هایی چند در گوش هوش نگه‌دار:

۱- فرصت‌ها همانند برق سپری می‌شود و سفر روحانی و معنوی تو چه زود به پایان می‌رود و حاجیان پس از مراجعت از آن دیار، افسوس و حسرت می‌خورند. تو سعی کن دقیق و ساعات خود را مغتنم بدانی و کم‌فایده از دست ندهی.

۲- در انجام مناسک واجب و مستحب مراقب باش که آن‌ها را دقیق بیاموزی و سپس با آداب ظاهری و باطنی به جای آوری و از روح مکه و مدینه بهره‌برداران بری چرا که آن دیار جای جایش تاریخ و خاطره‌ها دارد. پیام آن سرزمین را دریاب و تاریخ مجسم آن را بخوان و از آن‌ها درس‌ها فراگیر.

۳- از آداب حج و زیارت، کمک و دست‌گیری از دیگر زائران است چرا که آنان «ضیوف الرحمن»، میهمانان خداوند همه‌مهرند. آنان را در کارشان یاری کن و این توفیق را در سفر روحانی و معنوی خود از خداوند مسئلت دار.

۴- از بهترین ابزار سفر، خلق نیکو و گشاده‌رویی با مردم و به‌ویژه زائران خانه‌ی خداست. پس با خلق نیکو و روی گشاده با آنان سفر کن و تندخو و بدسخن مباش.

۵- در این سفر بسیار دعا کن و در صدر حاجات خود بالاترین نیاز را که ظهور امام عصر - ارواحنا فداه - است قرار ده و برای او بسیار دعا کن. آن‌گاه دوستان و خویشان را با نام، یاد و دعا کن (در حجر و پشت مقام، عرفات و...  
۶- به دنبال دیدار یار باش و کوشش کن روح حج و عمره را دریابی و کعبه‌ی دل را در کعبه‌ی گل جست‌وجو کنی. فرصتی برای دیدار یار برتر از سفر معنوی حج و زیارت پیامبر و امامان بقیع - درود بر آنان - نیست. به راحتی آن را از کف نده. در پایان با آرزوی سفری خوش باسلامت و اجر و پاداش فراوان برای تمامی زائران شما را به خدا می‌سپارم.

جزوه‌ی حاضر مختصری است درباره‌ی همراهی زائران در سفر روحانی با محور جهان و جهانیان، کعبه‌ی دل و روح کعبه و حجر و حَجَر و منی و عرفات و مشعر، حضرت بقیةالله الأعظم حجة بن الحسن المهدی ارواحنا له الفداء. امید که با مطالعه‌ی آن پیوند روحی خود را با آن پیشوای پرده‌نشین بیشتر نمایی.

## فصل ۱

### « آمادگی برای سفر روحانی حج »

حاجی بایسته است که پیش از سفر روحانی حج چند کار انجام دهد:

- ۱- با مردم تسویه حساب مالی کند و نیز به تسویه حساب شرعی پردازد.
  - ۲- وصیت نامه‌ی خود را تنظیم نماید.
  - ۳- تمام مسائل و مشکلات زندگی خود را بررسی کند.
  - ۴- از خویشان و دوستان استحلال کند و خود نیز از آنان بگذرد و آنان را حلال کند و از دیار خود خارج شود حالی که با کسی آزرده‌گی ندارد.
  - ۵- از ذوی حقوق خویش مانند پدر و مادر و زن و شوهر و فرزندان به گونه‌ای بهتر حلالیت بخواهد و با آنان به صفا و زلالی خدا حافظی نماید.
  - ۶- حاجی سزاوار است کوشش کند نمازهای خود را حتی المقدور در مسجدالنبی و مسجدالحرام بجای آورد که ثواب آن نمازها بسیار است.
  - ۷- بهتر است یک ختم قرآن در مدینه و یک ختم قرآن در مکه از سوی امام عصر - روحی فداه - بجای آورد.
  - ۸- چه زیباست روزهای خود را تقسیم کند و برنامه بریزد که هم به استراحت پردازد و هم به عبادات.
  - ۹- در سفر نیز از راهنمایی راهنمایان بهره گیرد تا بتواند از «راهنمای راهنمایان»، وجود مبارک امام زمان علیه السلام در منا، عرفات، در مشعر، در طواف، در سعی، در حجر اسماعیل، در حجرالأسود، در صفا و مروه بهره گیرد. خوشا به حال حاجیان سپیدبختی که با این اندیشه بوده و مورد لطف خاص او قرار گرفته‌اند.
- یکی از اساتید ما - خداوند او را غریق رحمت کند - که ارتباط قلبی، عاطفی و معرفتی بسیار با امام زمان خویش داشت و محبت و عرض ارادت به

امام زمان برایش در صدر کارهایش بود، همواره می فرمود: «اگر کسی در صف خدمت و نوکری و کنیزی آن حضرت باشد و به حج و مکه و مدینه برود قطعاً امام زمان خود را دیدار خواهد کرد گرچه او را نشناسد، و اثرات تشعشع همین دیدار، در جسم و جان او به جا خواهد ماند...»

بنابراین با حضور آن حضرت در موسم حج، حاجیان اعمال خود را به آن حضرت عرضه می کنند و با وجود و حضور او هم از نظر ظاهری و هم از جهت باطنی اعمالشان را تصحیح خواهند کرد. البته تابش نور او در زمان ظهور بسیار مستقیم تر و روشن تر خواهد بود.



## فصل ۲

### « امام زمان علیه السلام در حج »

واژه‌ی «امام» به معنای مقتدا و کسی است که از او پیروی شود. مصداق کامل آن در اسلام و فرهنگ شیعه انسان کاملی است که به کمال عبودیت و بندگی خدا رسیده و هدف آفرینش و حجت و برهان اهل زمین و زمان است که از جمله آثار وجودی او رساندن فیض تربیت و تکامل دیگر انسان‌ها در مراکز حساس می‌باشد.

موسم حج و مراسم آن که از دوران جاهلیت پیش از اسلام و حتی قبل‌تر، از عصر ابراهیم خلیل الرحمن به جای مانده و یکی از بزرگ‌ترین و با شکوه‌ترین مراسم دینی اجتماعی است، از فراهم‌ترین بسترهای تربیت و ابلاغ و تبیین دین و دیدار با این حجت و انسان کامل است.

از این روی امام زمان ارواحنا فداه که مقتدا و مربی جهانیان است، نقش فعال خود را مستقیم و غیرمستقیم در این مرکز حساس و اجتماعی پرشکوه ایفا می‌کند.

خداوند متعال به اقتضای حکمت بی‌ساحل خود، مقرر فرمود که در زمان غیبت کبرا و محرومیت عموم ایمانیان از حضور و ظهور امام معصوم، او همه‌ساله در موسم حج شرکت کند و تشعشعات روحانی و معنوی خود را بر مردم افاضه نماید و بدین وسیله جان‌های مستعد و آماده، از فیوض او بهره‌ی کامل ببرند.

در دوران غیبت، امام پدری را ماند که حضور او در منزل سامان‌ده امور و موجب اجرای بسیاری از کارها و برنامه‌ها می‌شود. برخی اوقات پدری در منزل دستگیری مستقیم دارد مانند این که به درس و اخلاق فرزندان رسیدگی می‌کند یا با همسر و فرزندان او به گفت‌وگو می‌نشیند. ولی بسیاری اوقات نیز

محض حضور پدر در خانه سامان‌دهی خانه را موجب می‌شود. مثلاً او با این‌که در اتاق خود نشسته و چندین ساعت سرگرم کارهای شخصی خویش است. لیکن در پرتو حضور وجود او هر یک از افراد به بهترین وجه وظایف فردی و جمعی خود را انجام می‌دهند.

همه می‌دانیم که حضور امام علیه‌السلام در جامعه هم لازم است و هم واقع. در مراسم حج این حضور فعال‌تر و مؤثرتر و قابل دست‌رسی بیشتر است. عقل، نقل و تجربه و داستان دیدارها ما را به این حقیقت آگاه می‌سازد. به تجربه دیده‌ایم که امام گاهی صلاح می‌بیند به فردی رسیدگی ویژه نماید و یا در یک موقعیت حساس مطالبی را به فردی عادی تعلیم دهد. این لطف از امام زمان ارواحنا فدا در طول غیبت صغرا و کبرا بسیار اتفاق افتاده است. چه بسیار دیده شده که انسان ساده و بی‌آلایشی، یا حتی به ظاهر لایبالی اما قابل تغییر، در لحظه‌ای ستاره‌ای بختش طلوع کرده و مورد نظر و عنایت و تربیت خاص آن حضرت قرار گرفته است. و این عنایت در سفر حج فراوان بوده است.

در دوران زندگی و حضور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌السلام نیز چنین بوده است. در دوران پرفتنه‌ی غیبت (زمان حاضر) دیده شده که آن امام مهربان به فرد یا افرادی توجه خاصی نموده است. البته این سعادت بستگی دارد به این که آن فرد یا افراد چه اندازه آمادگی و زمینه برای دریافت نور از آن آفتاب عالم‌تاب داشته باشند.

بارها افرادی از آفتاب وجود او بهره‌ها برده‌اند و حتی اشخاصی بدون آن که خود بدانند، حامل پیام‌ها برای دیگران بوده‌اند. به طوری که پیام‌گیران با شنیدن آن پیام برای سال‌ها از بهره‌های معنوی آن برخوردار شده‌اند. در تاریخ غیبت صغرا و کبرا از این‌گونه پیام‌های کوتاه که توانسته است تأثیری عمیق در زندگی افراد و جوامع بگذارد به فراوانی یافت می‌شود. به‌ویژه در مراسم حج و خانه خدا و منی و عرفات و مشعر و...

گفتنی است که دیدار و بهره از او ضرورتاً با معرفت و شناخت آن بزرگوار

همراه نبوده بلکه در مراسم حج و غیر آن افرادی از پرتو وجود و مهر ویژه‌ی او بهره گرفته و تنها لحظه‌ای چهره‌ی مبارک او را زیارت کرده و گذشته‌اند، اما همین یک لحظه سعادت تمامی عمر آنان را به دنبال داشته است.

وجود امام، خورشید را ماند که تابش آن بر جهان موجب حیات و بقای موجودات می‌شود. در این بهره‌گیری موجوداتی آفتاب را می‌شناسند، خواص نور و حرارت و اوقات طلوع و غروب آن را می‌دانند و در زندگی خویش آن را محاسبه کرده و به بهترین صورت از آن کسب فیض می‌کنند و موجوداتی نیز از تمام این‌ها غافلند، لیکن خورشید جهان‌تاب همواره کار خود را می‌کند و به صورت تشعشع و فیض عمومی پرتوافکنی می‌نماید. در استفاده‌ی عموم از وجود امام عصر علیه‌السلام نیز چنین است. زیرا او علیه‌السلام پرتوافکنی خود را ادامه می‌دهد، گرچه مردم او را نشناسند و به امامت او اقرار و اعتراف نکنند. به گفتار خود حضرت، در مورد شباهت او به آفتاب توجه می‌کنیم:

«اما بهره‌ی از من در عصر غیبت همانند بهره‌ی از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیده‌ها پنهان کنند و همانا من برای زمینیان امان هستم بسان ستارگان برای آسمانیان.»<sup>(۱)</sup>

## فصل ۳

### « امام زمان ارواحنفا و اعمال حج »

مراسم حج مجموعه‌ای است زنجیروار از اصول و فروع دین، از توحید گرفته تا عباداتی هم چون صلوة، زکات، صوم، جهاد، تولی، تبری. اگر حاجی لباس احرام بی‌زبور به تن می‌کند رنگ دیگر پرستش‌های غیر از خدا، و شرک‌ها را از خود دور می‌کند و اگر در ابتدای میقات احرام می‌بندد حریم توحید و تقوی را نگه می‌دارد. اگر طواف می‌کند خانه‌ی توحید را محور قرار می‌دهد و اگر در مقام ابراهیم نماز به جای می‌آورد از بزرگ‌بنیان‌گذار توحید پیروی می‌کند و اگر میان صفا و مروه سعی می‌کند کوشش‌هاجر را برای یافتن آب و کمک به فرزندش تجسم می‌نماید. اگر مأمور می‌شود [در صورت توان] در هر شوط طواف، حَجْرُ الْأَسْوَد را ببوسد، به آن سلام کند و با آن سخن گوید، اصل تولی را تبلور می‌دهد و اگر مأمور می‌شود در جمرات، سنگریزه‌ها را به سوی دیواری پرتاب کند انزجار خود را از شرک و پیروی شیطان ابراز می‌نماید. اگر به عرفات می‌رود به دنباله‌ی معرفت حرکت می‌کند و اگر به مشعر و منی سیر می‌نماید در جست‌وجوی شعور بندگی و پیوند با ربوبیت و فداکردن هستی خود به سر می‌برد و اگر قربانی می‌کند از ذبح ابراهیم فرزند خود را و فداکردن بهترین محبوب برای خدا تبعیت می‌نماید. پس ظواهر اعمال فیزیکی حج، گویای باطن‌های زلال و روحانی آن است. روح تمامی عبادات و از جمله حج که بندگی خداست در وجود امام معصوم تبلور می‌یابد. او نتیجه و تجسم کامل حج و روح آن است و از این روی اتمام و اکمال حج به زیارت پیامبر و امامان - درود بر آنان - است. اصل عمل حج نیز بدین صورت بوده است که حاجی پس از مراسم به زیارت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام برود. به این ترتیب که حاجی مناسک حج را انجام می‌دهد و سپس برای عرضه‌ی اعمال و اتمام عبادات خود به مدینه می‌رود و اعمال خود را به

پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی طاهرین و حضرت زهرا سلام الله علیها عرضه می‌کند و بدین وسیله حج و اعمال خود را جهت و روح می‌بخشد «البته امروزه، به دلیل فراهم نبودن شرایط و کثرت جمعیت، شماری از مردم پیش از اعمال حج به مدینه مشرف می‌شوند».

عبادت در مراسم حج، به دویخش مالی و بدنی تقسیم می‌شود. اگر انسان برای حج هزینه می‌کند - که البته باید استطاعت داشته باشد - خود نوعی پرداخت زکات مال است. استحباب فراوانی برای انفاق در مراسم حج وجود دارد. هنگامی که حاجی در منا قربانی می‌کند، یا به عنوان کفاره‌ی تقصیر، گوسفند ذبح می‌کند حتی سوغاتی می‌خرد همواره در حال پرداخت زکات واجب یا مستحب است.

در کنار عبادات مالی، عبادات معنوی و روحانی قرار دارد که جهت‌گیری و فرستادن روح و جان به سوی عالم عبودیت است. این عبادات معنوی در طواف و نماز آن، رمی جمرات، سعی بین صفا و مروه، وقوف در عرفات، مشعر، منا و اعمال آن‌ها تحقق می‌یابد. به وسیله‌ی این اعمال - که مجموعه و نمونه‌ای است از دیگر عبادات مانند نماز، زکات، روزه، جهاد، تولی و تبری - انسان در این اجتماع عظیم توحیدیان و خداشناسان به سوی بنده بهتر شدن سیر می‌کند. حاجی با گفتن جمله‌ی «لَیْکَ اللَّهُمَّ لَیْکَ، لَیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَیْکَ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَکَ وَالْمَلْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَیْکَ» و یا در قالب‌ها و فرمول‌های گوناگون، وجود خود را به صورت یک بنده به عالم الوهیت و توحید پرواز می‌دهد و بندگی خود را در ذلیل‌ترین، فقیرترین، مسکین‌ترین چهره، به خداوند خود عرضه می‌کند.

در نقطه‌ی اوج و قلّه‌ی مرتفع این بندگی است که امام سجاد علیه‌السلام آن‌گاه که از حجرالأسود عبور می‌کند می‌گوید: «سائلک بیابک، مسکینک بیابک» یا «.. الحرم حرمک، والبیت بیتک، والعبد عبدک، و هذا مقام العائذیک من النار».

در سیر تکامل علوم در نیم قرن اخیر، انسان توانسته است پا بر کرات دیگر بگذارد. در این سفرها هر چه بالاتر می‌برد تکنولوژی کمک به او

دقیق‌تر می‌گردد و نیاز بیشتری به بهره‌وری از افراد متخصص پیدا می‌کند. در سفر حج و عروج روحانی آن نیز چنین است. حاجی در اوج‌گیری به جایی می‌رسد که از برترین حالات معنوی برخوردار می‌شود. لهذا نیاز بیشتری به راهنما، رهبر، امام، حجت، انسان کامل پیدا می‌کند تا او را در ظاهر و باطن اعمال، سیر دهد. نیازمند است به انسان کاملی که خود تجسم مجموعه‌ای از عبادات است بلکه عبادات او عبادات حق می‌باشد. نماز او نماز حق، صوم او صوم حق، حج او حج حق و... که در عصر ما وجود مقدس حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه همانا عبادت حق است. پس اصل اولیه در این سفر تصمیم بر معرفت، محبت، تبعیت از امام زمان است.

حج از یک سو مجموعه‌ای از عبادات و از سوی دیگر سراپا تعهد و بندگی است. و لذا پیوند انسان با امام زمان به گونه‌ای است که آن بزرگوار راه تعبد و تعهد را به او می‌آموزد.

حج: احیاکننده‌ی خاطرات توحیدیان اعصار گذشته است که از ابراهیم خلیل‌الرحمان آغاز شده است. و محور اصلی آن امیر حاجیان و قافله‌سالار کاروانیان قائم آل محمد صلی‌الله علیه و آله است.

اکنون در این تعبد و تعهد و یاد خاطرات و تلاش و کوشش حاجی جز این که در زیر تابش ولایت معلم معلمان، استاد استادان، راهنمای راهنمایان، امیرالحجاج و کاروان سالار حقیقی باشد راهی دیگر ندارد. چرا که حضور او در موسم حج به معنای عرضه و تصحیح اعمال و اعتقادات به آن بزرگوار است و این داستان را از دعای پس از زیارت آل یاسین می‌آموزیم که: *أشهدك يا مولاي أنني أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن محمداً عبده و رسوله. لا حبيب إلا هو و أهله. و أشهدك يا مولاي أن علياً أمير المؤمنين حجته و الحسن حجته و الحسين حجته و علي بن الحسين حجته و محمد بن علي حجته و جعفر بن محمد حجته و موسى بن جعفر حجته و علي بن موسى حجته و محمد بن علي حجته و علي بن محمد حجته و الحسن بن علي حجته و أشهدك أنك حججة الله اتم الاول و الآخر و أن رجعتكم حق لا ريب فيها يوم لا ينفع نفساً إيمانها لم تكن أمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً و أن الموت حق و أن ناكراً و نكيراً حق و أشهد أن النضر حق و...*

## فصل ۴

### « امام روح عبادات است »

نه تنها حضور امام در مراسم حج، توشیح و امضای اعمال می‌کند، بلکه امام روح عبادات و جان اعمال، و باطن کعبه است. کعبه‌ی گِل عنوان کعبه‌ی دل است و اصل و حقیقت، همان کعبه‌ی دل است و عناوین ظاهری تابلو برای معانی حقیقی است. پس انجام اعمال با معرفت او به معنی تمامیت آن‌هاست. اگر طواف می‌کنیم به دور وجود او می‌گردیم و اگر حَجْر را می‌بوسیم در واقع زیان حال این است که:

خالت حجر و چاه زنخدان تو زمزم      حاجی نشود هر که نبوسد حجرت را  
و اگر در عید قربان، قربانی می‌کنیم در حقیقت زمزمه می‌کنیم که:  
به عید قربان، قربان کنند خلق جهان      بتا تو عید منی من شوم تو را قربان  
و اگر بر صفا و مروه می‌گذریم می‌دانیم صفای صفا و مروه حضور و دیدار  
اوست و در نتیجه:

هر در که زدم صاحب آن خانه توئی تو      هر جا که روم پرتو کاشانه توئی تو  
مقصود من از کعبه و بت‌خانه توئی تو      مقصود تویی کعبه و بت‌خانه بهانه  
هان - حاجیان! که عازم حج‌اید و کاروانیان! هم‌اکنون همتتان این باشد که  
گم‌شده‌ی خود را بیابید و روح اعمالتان رایباید و پیوند قلبی خود را با کعبه‌ی  
حقیقی محکم نمایید و پیمان توحید و ولایت با او بندید و خود را بدین وسیله  
در معرض وزش نفخات رحمانی و رحیمی قرار دهید و از تشعشعات آفتاب  
عالم تاب او گرما و نور گیرید و وجود خود را با حرارت مهر او زلالی بخشید و  
به یاد او بسیار باشید و او را در مراسم جست‌وجو کنید و به دنبال او در روح  
اصلی اعمال حرکت کنید و به او دست بیعت دهید و با او زمزمه کنید لَبَّیک  
اللَّهِم لَبَّیک... را.

## فصل ۵

« بدون حضور امام، حج پذیرفته نیست » او اعمال را امضا می کند »

و اما این که حضرت هر سال در موسم حج شرکت می کنند وگرنه حج مردم پذیرفته نیست در حدیثی آمده:

عن أبي عبد الله عليه السلام العام الذي لا يشهد صاحب هذا الأمر الموسم لا يقبل من الناس حجهم<sup>(۱)</sup> «سالی که صاحب این امر در موسم حج شرکت نکند هیچ کس حج مقبول ندارد.»

پس تمامیت و قبولی حج مردم با حضور امام زمان ارواحنا فداه است.

و حضرت باقر علیه السلام فرمود: تمام الحج لقاء الإمام<sup>(۲)</sup>

آخرین خشت کامل کننده ی حج دیدار امام زمان علیه السلام است.»

خوشا آنان که در مراسم حج به دنبال امام خود بوده و او را دیدار می کنند و بدین وسیله حج و اعمال آنان تمام و کامل است. حضرت باقر علیه السلام فرمود:

حج خود را با دیدار و زیارت ما کامل کنید.

إذا حج أحدكم فليختم بزيارتنا لأن ذلك من تمام الحج<sup>(۳)</sup>

آری او هر ساله در مراسم حج حضور می یابد: عبدالله بن جعفر حمیری می گوید از محمد بن عثمان عمر وی پرسیدم صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) را دیده ای؟ گفت: آری، آخرین بار او را در بیت الله الحرام دیدم که می گفت: خداوندا! وعده ی ظهورم را محقق ساز.<sup>(۴)</sup>

و نیز او را دیدم که در مستجار پرده ی خانه ی خدا را گرفته می گوید

۱. دلائل الامامة / ۲۶۱

۲. کاخ ج ۴ / ۵۴۹

۳. وسایل ج ۱۴ / ۳۲۴

۴. الفقيه ج ۲ / ۵۲۰



خداوند! از دشمنانت انتقام مرا بگیر. (۱)

## فصل ۶

### « امام کعبه است »

در احادیثی چند وجود امام و به ویژه علی علیه السلام به کعبه تشبیه شده است که نکته‌ی بسیار جالبی است: امام علیه السلام فرمود:  
فَإِنَّ عَلِيًّا كَالْكَعْبَةِ الَّتِي أَمْرُ اللَّهِ بِإِسْتِقْبَالِهَا لِلصَّلَاةِ (۲)  
«علی به سان کعبه است که مردم امر شده‌اند در نماز به سوی آن نماز بخوانند.»

پس پشت کردن به امام و علی علیه السلام همانند پشت کردن به کعبه در نماز است که روح و حقیقت آن را باطل می‌کند. و نیز حضرت علی علیه السلام فرمود:  
يَا مَبْرُؤُونَ اللَّهِ عِنْدِي وَأَنْتُمْ فَرَمُودُونَ:

یا علی إنما أنت بمنزلة الكعبة تؤتى ولا تأتي (۳)

در نتیجه علی علیه السلام همانند کعبه است که در جای خود قرار می‌گیرد و پروانگان و عاشقان شمع وجود او به دورش می‌گردند نه این‌که او به گرد ایشان بگردد. او محور است که باید دل‌های آماده به طواف او بشتابند و از این روی بقای دین بستگی به وجود کعبه و امام دارد. بلکه بقای جهان وابسته به امام است که امام محور و قطب برای بندگی و بنده‌هاست.  
به روایات ذیل توجه می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة (۴)

«همواره دین برپا می‌ماند مادام که کعبه بماند.»

۲. بحار ج ۳۶/۱۱۰

۴. کاخ ۴/۲۷۱

۱. بحار ج ۵۱/۳۵۱

۳. وسائل ج ۱۱/۳۳

حضرت زهرا علیها السلام به ابو عمر می فرماید:

لقد كان رسول الله يقول مثل الإمام مثل الكعبة إذ توتني ولا تأتي (١)  
«هر آینه رسول خدا می فرمود: امام، کعبه را ماند و مردم وظیفه دارند که  
به امام مراجعه کنند، و نبایستی انتظار داشته باشند امام به سوی آنان بیاید.»  
حضرت باقر علیه السلام فرمود:

يا جابر مثل الإمام مثل الكعبة إذ توتني ولا تأتي...

و حتی در برخی احادیث تعبیر دل نشین و جالبی درباره‌ی مؤمن دارد که  
حق و حرمت او از کعبه بالاتر و بزرگ‌تر است و می‌دانیم تمامی اوصاف  
کمالی در رتبه‌ی اول شامل ائمه علیهم السلام می‌شوند و آنان برترین مصادیق آن  
صفاتند. از جمله وصف ایمان:

والله إن المؤمن لأعظم حقاً من الكعبة (٢)

«به خدا سوگند که حق مؤمن برتر از حق کعبه است.»

و نیز:

إن المؤمن أعظم حرمةً من الكعبة (٣)

٢. بحار ١٦/٦٥

١. کفایة الاثر ١٩٨/

٣. بحار ٣٢٣/٧

## فصل ۷

### « مردمان، امام را می بینند ولی نمی شناسند »

اما این که امام علیه السلام در میان مردمنده و مردم ایشان را می بینند ولی نمی شناسند در احادیثی بیان شده است. از جمله:  
امام صادق علیه السلام فرمود:

يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ لِيَشْهَدَ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرُونَهُ<sup>(۱)</sup>

«مردم امام خود را از دست می دهند و او در موسم حج شرکت می کند و ایشان را می بینند و آنان او را نمی بینند (نمی شناسند)»  
ابو بصیر می گوید:<sup>(۲)</sup>

«در صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) سنت هایی از پیامبران است. سنتی از موسی بن عمران علیه السلام و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از یوسف علیه السلام و روشی از محمد صلی الله علیه و آله. اما شباهت او به موسی این که ترسان و چشم به راه است تا خداوند فرمان ظهورش را صادر کند. اما علامتی که از عیسی دارد این است: همان که درباره ی عیسی گفته شده درباره ی او نیز گفته می شود. (برخی می گویند متولد شده و کشته شده و برخی می گویند هنوز متولد نشده است.) اما سنت او از یوسف، پوشیده بودن او از دیده ی مردم است و خداوند میان آنان پرده ای آویخته که او را می بینند اما نمی شناسند.» چنان که برادران یوسف با او رفت و آمد می کردند اما او را نمی شناختند و او برادرانش را می شناخت. پس امام عصر ارواحنا فداه نیز در میان مردم رفت و آمد دارند و مردم او را می بینند اما نمی شناسند.

۱. کافی ۱/۳۳۷

۲. بحار ج ۵۱/۲۲۳ ح ۱۰

## فصل ۸

### « دیدار ناشناس »

مقاله را با نقل داستانی ادامه می‌دهم. ابونعیم محمد بن احمد انصاری گوید<sup>(۱)</sup>: در رکن مستجار خانه‌ی خدا بودم (رکن مستجار همان جایی است که پیش‌تر در دیگر خانه‌ی خدا در آن جا بوده که بعدها بسته شده و پس از آن حضرت فاطمه بنت اسد با شکافته شدن دیوار کعبه از آن ناحیه وارد خانه شد و علی علیه‌السلام در داخل کعبه متولد شد و آن در، درست در طرف مقابل در فعلی خانه‌ی خدا قرار داشت) و حدود سی نفر همراه من بودند و تنها یکی از آنان خالص و معتقد بود که محمد بن قاسم علوی نام داشت. ما در روز ششم ذی‌حجه سال ۲۹۳ مشغول طواف بودیم، همان‌طور که در مستجار مشغول دعا بودیم جوانی از طواف بیرون شد و نزد ما آمد. او کفش‌های خود را به دست گرفته بود تا متوجه او شدیم. با این‌که او را نمی‌شناختیم به احترام او از جا برخاستیم و به او سلام کردیم. او در میان ما نشست و ما دور او را گرفتیم. نگاهی به اطراف نمود - مانند کسی که از نامحرمی پرهیز می‌کند - سپس فرمود آیا می‌دانید حضرت امام صادق علیه‌السلام در دعای «الحاج» چه می‌گفت؟ پرسیدیم چه می‌گفت؟ فرمود می‌گفت «اللهم انی أسئلك باسمک الذی به تقوم السماء...» «خدایا از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که آسمان به آن پایدار است و به آن نامت که زمین به آن برپاست و به آن که حق را از باطل به سبب آن جدا نمودی و به نامی که متفرقات را با آن جمع کردی و مجتمعات را به آن متفرق ساختی و به آن نامی که به وسیله‌ی آن تعداد تمامی سنگریزه‌ها را حساب می‌کنی و به آن نام که با آن وزن تمامی کوه‌ها و پیمان‌های

۱. بحرج ۶/۵۲

دریاها را می دانی. خدایا به آن نام سوگند می دهم که بر محمد و آل محمد درود فرست و در کار من گشایشی فرما.»

این جملات را گفت و برخاست و وارد طواف شد و از چشم ما پنهان گشت. ما هم برخاستیم و رفتیم و به کلی داستان و این که این جوان که بود را فراموش کردیم.

فرداشب دوباره همان وقت از طواف بیرون شد. باز هم به احترام او برخاستیم و او در جمع ما نشست و به این طرف و آن طرف نگریست و گفت: آیا می دانید که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از نماز فریضه چه می گفت؟ پرسیدیم چه می گفت؟ فرمود او می گفت: «ای خدا! صدای بیچارگان به سوی تو بلند است، چهره ها برای تو خاضع است و گردن های گردن فرازان برای تو تسلیم، خداوند! اعمال ما به سوی تو بالا می رود که تو بهترین کسی هستی که از تو درخواست می شود. ای بهترین عطاکننده، ای صادق، ای خالق، ای خدایی که در وعده های خود مخالفت نمی کنی. ای خدایی که گفتی: «ای بندگان اسراف کار من که بر خود اسراف کرده اید از رحمت خدا ناامید نشوید زیرا که خداوند گناهان شما را می آمرزد. همانا او بخشنده و آمرزنده است.» لَبَّیک و سعَدِیک حالا که من بر خود اسراف کرده ام در برابر توام و تو فرموده ای که از رحمت خدا ناامید نشوید که خداوند تمامی گناهان شما را می آمرزد.

سپس به سمت راست و چپ نگاه کرد و فرمود: می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده ی شکر چه می گفت؟ پرسیدیم چه می گفت؟ فرمود می گفت: «ای خدایی که فزونی بخشش تو، عطای تو را زیاد می کند، ای کسی که خزانه هایش پایان نمی پذیرد، ای کسی که خزائن آسمان و زمین به دست اوست...» و جملات امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل کرد و داخل طواف شد و از چشم ما پنهان شد.

فردا نیز مجدداً در همان وقت از طواف خارج شد و به گروه ما پیوست. ما نیز مانند روزهای گذشته از جا برخاستیم. او نشست. در همان وقت به راست

و چپ نگریست و فرمود:

علی بن الحسین سیدالعابدین علیه السلام در این جا (حجر اسماعیل، زیرناودان) در سجده‌ی خود می‌گفت: «مسکینک بفنائک... ای خدا بنده‌ی کوچک تو بیچاره‌ی تو، گدای تو در آستان تو ایستاده و از تو چیزی می‌خواهد. تنها تو توانای خواسته‌ی او هستی.» سپس به راست و چپ نگاه کرد و از میان جمع ما به محمد بن القاسم نگریست (همان که احمد انصاری گفت مرد مخلصی است و به امام زمان علیه السلام معتقد است.) و گفت و ای محمد بن القاسم إن شاء الله عاقبت تو خیر است. باز برخاست و داخل طواف شد.

در این چند روز همه‌ی دعاها‌ی او در ذهن ما ماند ولی فراموش می‌کردیم که در مورد او گفت‌وگو کنیم مگر در روز آخر.

ابوعلی محمودی گفت: آیا او را شناختید؟ گفتیم نه. گفت: سوگند به خدا این امام زمان شماست...

آری خوشا به حال آن که از آفتاب وجود حضرتش در همه جا، خانه، کاشانه‌ی خود و به خصوص در جایگاه‌های عبادات و مراسم حج استفاده کند و بهره‌ی کامل ببرد و صبح و شام چشم به راه آمدن مولایش باشد.

«اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة»

در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است

به امید آن که روزی تو به چشم من در آئی

## فصل ۹

### «ره آورد سفر حج»

- در پایان این مقاله چه مناسب است نکاتی چند را به زائران یادآوری کنیم:
- \* در پایان سفر خانه‌ی خدا و حرم رسول و امامان، عزم جزم بر مراجعت داشته برای سفرهای مکرر دعا کنیم.
  - \* از صفوف به هم پیوسته و کثرت جمعیت در ایام حج، نتیجه‌ی حقانیت نگرفته و به حق و مکتب اهل بیت بیاندیشیم و بدانیم که بدون ولایت، اعمال جز پوسته‌ای نیستند و روح عبادت همانا پذیرش فرمان خدا و قرآن در محوریت رسول خدا و ائمه‌ی اطهار در دین است.
  - \* از آنان نماز اول وقت و جماعت را بیاموزیم.
  - \* پس از برگشت به وطن دیدارکنندگان را به سفر روحانی حج و زیارت مدینه و نیز عتبات عالیات تشویق کنیم.
  - \* از سختی‌ها، نارسایی‌ها به‌ویژه در جنبه‌های جسمانی، مالی، خوراکی سختی بر زبان نیاوریم.
  - \* برای افراد خانواده و خویشان حتی المقدور مخصوصاً نوجوانان سوغاتی‌هایی مادی معنوی چون قرآن، سجاده، تسبیح، تابلو مکه و مدینه بیاوریم.
  - \* از صفای خانه‌ی خدا، حجر اسماعیل، مقام ابراهیم، منی، مشعر، عرفات برای مردم تعریف کنیم.
  - \* آرزوی ظهور امام عصر علیه‌السلام که صاحب اصلی خانه (مکه و مدینه) و امیرالحاج است را در دل دیدارکنندگانمان بیشتر کرده از غربت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در شهر خودش [مکه و مدینه] بازگو نماییم.
  - \* پاکی و طهارتی را که در سفر حج به دست آورده‌ایم نگه داشته مراقب

باشیم از بین نرود.  
\* امدادهای غیبی و دستگیری‌های امام عصر ارواحنفاذ را برای مشتاقان دیدار ایشان بیان کنیم.  
\* از صاحبان حقوق در توفیقمان به اعمال حج تشکر کرده آنان را دعا کنیم.  
\* مردم را به یادگیری احکام دین و تفقه در آن تشویق کنیم.

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله  
ما را بجز تو در همه عالم عزیز نیست  
خواهی ببخش و خواه بکش رای رای تست

آبان ۱۳۸۳ رمضان المبارک ۱۴۲۵

سید حسین حسینی



